

## گروه کلمه چیست؟

به بخش دوم یک املاي تقريري که در زیر آمده است، توجه کنید :

نقضِ غرض، سخنِ نغز، عصیان و سرکشی، صحت و سقم و ...

□ این ترکیب‌ها کلمه نیستند؛ زیرا هر کدام از دو یا بیش از دو کلمه تشکیل شده

است : **نقضِ غرض** : از مضاف، نقشِ نمای اضافه و مضاف‌الیه. سخنِ نغز : موصوف،

نقشِ نمای اضافه و صفت. عصیان و سرکشی : معطوفٌ علیه، حرف عطف، معطوف. صحت

و سقم : معطوفٌ علیه، حرف عطف و معطوف.

□ اینها جمله هم نیستند؛ زیرا استقلال فعلی و اسنادی ندارند. اگر می‌گفتیم «غرض

نقض شده است. سخنش نغز است. هم عصیان است و هم سرکشی. از صحت و سقم آن

خبر ندارم.» با جمله سروکار داشتیم.

به چنین ترکیب‌هایی که نه کلمه‌اند و نه جمله «گروه کلمه» گفته می‌شود. گروه کلمه یا

گروه واژه معمولاً یا مضاف و مضاف‌الیه هستند (نقضِ غرض)، یا موصوف و صفت (سخن

نغز)، یا مترادف (عصیان و سرکشی) و یا متضادّ (صحت و سقم) یا ...

□ «گروه کلمه» ها برای املاي تقريري جنبه تکمیلی و ترمیمی دارد. توضیح آنکه اگر

متن انتخاب شده از چندین درس، چنان که باید متناسب با سطح علمی و مهارتی دانش‌آموزان

نباشد و اهمیتِ املايی کافی را نیز نداشته باشد، می‌توان با اضافه کردن چندین «گروه کلمه»

— حداکثر بیست مورد — متن یاد شده را تعدیل و متناسب کرد. شاخصه «گروه کلمه»‌های املا

این است که گویا و واضح باشد و به پرسش مقدّر ما پاسخ دهد؛ مثلاً اگر گفته شود «نقض»،

جای سؤال است که کدام نقض و در چه معنایی؟ اما وقتی گروه کلمه نقضِ غرض یا سخنِ نغز

مطرح می‌شود، توضیح و قرینه لازم برای درست نوشتن وجود دارد.

گاهی در بخش پایانیِ املاّی تقریری از «گروه کلمه» استفاده می‌شود تا :

□ متن‌های ساده‌املا برای ارزشیابی تعدیل و مناسب گردند.

□ کلماتی که اهمّیت املاّی دارند و در متن املا منظور نشده‌اند، مورد ارزشیابی قرار گیرند.

□ از جمله سازی و املاّی تلفیقی ( املاّی خارج از متون مصوّب کتاب) جلوگیری شود.

### فعاَلِیت

از متن درس‌های نوزده تا آخر کتاب‌های زبان و ادبیّات فارسی (۱) با استفاده از گروه کلمات زیر املا بنویسید.

## «گروه کلمه»ها برای املاّی شمارهٔ چهار

تقاضای صدور کارت، پیام تسلیت، اشتغال به تحصیل، تعارفات بیهوده، تملّق و چرب‌زبانی، حاشیه‌گذاری کتاب، شجاع و سلحشور، صبر و اجر، ابراز مسرّت، انتصاب به‌جا، مراسم افطار، تجهیز و تقویت، متّم قیدی، شکل مکتوب و ملفوظ، تغییر و تحوّل، حوزه معنایی، ترادف و تضاد، تضمّن و همراهی، برهه‌ای از زمان، سطور مرتّب و منظمّ، قریحهٔ دروغین، نظم و انضباط، دور و برحذر، نقض غرض، نغز و دلکش، معطوف و معطوفٌ علیه، دارالمعلّمین، مبارز و اصلاح طلب، کرنش و تعظیم، عریضه‌چی دربار، هدیه و تعارف، استبداد صغیر، مُحال و غیرممکن، تغزّلات ستنّی، نفوذ استعمار، شأن و منزلت، حسب حال نویسی، تشویش و دغدغه، ناتوانی و عاجزی، خورجینک سفر، ابوالفتح علی بن احمد، نامه و رقعّه، بحقّ الحقّ و اهله، آسایش و فراغ‌بال، دلاک و قیّم، جلّ جلاله و

عَمَّ نَوَالُهُ، حج گزاران اهل قلم، رویداد و واقعه، بحر در کوزه، زمزمه و گفت و گو، قبرستان  
بقیع، لحظهٔ وصال، تحسین و اعجاب، عشقه و پیچک، غمگین و مغموم، مایع خنک،  
علف های مزارع، متوقع و خواستار، مصمم و قاطع، برق و الکتریسیته، مزایا و محاسن،  
جذبه و تأثیر، معاشرت همسایگانه، گوشه و بیغوله، بحران بلوغ، حقوق شنذرغاز، اُخت  
و مأنوس شدن، عناوین و القاب، تره بار و بُنشن، غم غربت، زندگانی بی تلاطم، طمأنینه و  
آرامش، مجسمهٔ فراعنه، درخت تلاجن، درنگ و تأنی، نقایص جسمی، تنگی معیشت،  
شبه قارهٔ هند، شقایق نُعمانی، سرشت و فطرت، غم اغیار، مأمن و پناهگاه، صحرای ختن،  
ضمیر و ارسته، تازگی و طراوت، خوشایند و فارم، سرسان و حیرت زده، لطافت و ظرافت،  
قیح و زشتی، اوج سما، بخشش و عطا، عجین و آمیخته، هوا و هوس، طاغوت خودپرستی.

## نقش نما

از جمله مشایخ صوفیه که از تعلیم غزالی تأثیر پذیرفته اند، می توان عبدالقادر گیلانی را نام برد.

- (۱) گروه اسمی «تعلیم غزالی» چه نقشی در جمله دارد؟
  - (۲) در گروه اسمی «تعلیم غزالی»، «غزالی» چه نقشی دارد؟
  - (۳) نقش «عبدالقادر گیلانی» چیست؟
- ساده ترین راه برای یافتن پاسخ درست پرسش های بالا چیست؟ **توجه دقیق به نشانه ها.**
- مثلاً وجود کلمه «از» پیش از گروه اسمی «تعلیم غزالی» نشانه **متمم** بودن آن است.
- وجود نشانه «ب» (نقش نمای اضافه) پیش از «غزالی» نشانه **مضاف الیه** بودن آن است.
- وجود نشانه «را» مفعول بودن عبدالقادر گیلانی را می رساند.
- این گونه واژه ها را **نقش نما** می نامیم.
- نقش نماها به چند دسته تقسیم می شوند :

(۱) را

(۲) نقش نمای اضافه

(۳) حرف اضافه

(۴) حرف ربط (پیوند)

(۵) نشانه ندا

### فعّالیت

با ذکر مثال درباره جایگاه هریک از این نقش نماها گفت و گو کنید.

(۱) را :

«را» پس واژهٔ مفعولی است. بعد از گروه اسمی می‌آید و نشانهٔ معرفه بودن مفعول است.

برهمن بدون آنکه نگاهش را از روی آن مشت استخوان بردارد، ساکت شد.  
بعد نفس را در سینه حبس کرد؛ حرکت قلب خود را خفه نمود و حتی فکر خود را هم از کار انداخت.

(۲) نقش نمای اضافه :

این نشانه بعد از اسم می‌آید و کلمهٔ بعد از آن مضاف‌الیه یا صفت است.  
آن نزدیکان - بی بصر و دوران - باخبر که در آن روزگاران، گوش به سخن -  
شیخ - شیراز می‌نهادند، اکنون همه رفته‌اند و از آنها نشانی نمانده است.  
کسرهٔ اضافه، نقش نمای مضاف‌الیه یا صفت است.

(۳) حرف اضافه :

حرف اضافه، پیش واژهٔ متمم ساز است. متمم پس از حرف اضافه می‌آید؛  
به عبارت دیگر، هر گروه اسمی که پس از حرف اضافه بیاید، متمم است.  
حرف اضافه نشانهٔ متمم است.

موضوع مسابقه را از دوستم پرسیدم.

امروز شاگرد اوّل مدرسه را به دانش آموزان معرفی کردند.

حرف‌های اضافه عبارت‌اند از : به، از، با، در، بر، برای، مانند، ...

(۴) حرف ربط (پیوند) : حرف ربط (= پیوند) نقش نما دو گونه است :

الف : نقش نمای جمله‌های وابسته (پیوندهای وابسته ساز) :

او را نصیحت کردم تا بیشتر تلاش کند.

چون شما اصرار کردید، ایشان هم آمدند.

اگر ایرانی آباد و مستقل می‌خواهیم، باید نسلی شجاع و آزاده تربیت کنیم.

پیوندهای وابسته ساز پر کاربرد عبارت‌اند از : که، تا، چون، زیرا، اگر، با اینکه،

تا اینکه، همین که، گرچه ...

ب : نقش نمای جمله‌های هم پایه (پیوندهای هم پایه ساز) :  
 هوا سرد بود و برف نرمک نرمک می بارید.  
 جمعه گذشته به کوه نوردی رفتیم اما حسین نیامد.  
 درد نادانی بسیار بزرگ است ولی هم نشین نادان بودن از آن هم بزرگ تر  
 است.  
 پرکاربردترین پیوندهای هم پایه ساز عبارت اند از : و، اما، ولی، یا، ...<sup>۱</sup>

دوجمله را که با پیوند هم پایه ساز به هم پیوندند، جمله‌های هم پایه  
 می گوئیم.

(۵) نشانه ندا :

در زبان فارسی سه نشانه داریم که با آنها کسی یا چیزی را صدا می زنیم : آی،  
 ای، یا

این واژه‌ها را نشانه ندا می گوئیم و اسمی را که همراه آنها می آید، منادا  
 می خوانیم.

ای خدای بزرگ!

یا امام هشتم!

آی مردم!

همچنین است مصوّت «آ» در پایان برخی از اسم‌ها؛ مانند :

خدایا! پروردگارا!

۱- این پیوندها اگر بین دو یا چند اسم بیایند، نقش همه آن اسم‌ها یکی است :  
 علی و حسن و احمد به مدرسه رفتند. در این جمله اسم‌های مشخص شده نهادند.

## بیاموزیم

کدام یک از دو جمله زیر درست تر است؟

الف) در کتابخانه هم دانش آموزان سال اول مطالعه می کردند هم دانش آموزان سال دوم.

ب) در کتابخانه هم دانش آموزان سال اول مطالعه می کردند هم دانش آموزان سال دوم مطالعه می کردند.

با توجه بیشتری به مثال های بالا در می یابیم که جمله «الف» بهتر و صحیح تر است؛ زیرا در آن از تکرار فعل «مطالعه می کردند» خودداری شده و یکی از آنها به قرینه حذف شده است. پس آوردن دو فعل مشابه در یک جمله مرگب «حشو» و زاید است. و به کاربردن آن توصیه نمی شود.

جمله «الف» را به صورت زیر نیز می توانیم بنویسیم :

در کتابخانه هم دانش آموزان سال اول و هم دانش آموزان سال دوم مطالعه می کردند.

اکنون به دو مثال زیر توجه کنید :

الف) هم آنان درباره مطبوعات مقاله نوشتند هم ما نوشتیم.

ب) هم آنان درباره مطبوعات مقاله نوشتند هم ما.

جمله الف درست تر است زیرا کلمات «آنان» و «ما» که نهاد هستند هر یک با فعل مناسب خود یعنی «نوشتند» و «نوشتیم» آمده اند.

## خودآزمایی

۱) حروف ربط (پیوندها) وابسته ساز و هم پایه ساز را در نوشته های زیر مشخص کنید.  
اگر زبان فارسی از میان رفته بود، ما امروز آثار گران بها و ارزنده ای همچون مثنوی، گلستان و دیوان حافظ نداشتیم.<sup>۱</sup>  
سعدی، اگر به درگاه بزرگان می رفت، غالباً برای آن می رفت که مگر ستمکاری را از تعدی به مظلومی باز دارد یا چاره ای برای بی چاره ای بجوید.  
سعدی نویسنده است و شاعر اما در نویسندگی، شهرتش بیشتر به سبب گلستان است؛ در صورتی که به جز آن کتاب های دیگری نیز دارد.  
با آنکه بیشتر عمر ملک الشعراء بهار در مطالعات ادبی گذشت، از توجه به آزادی و آزادی خواهی لحظه ای غافل نبود.

۲) جاهای خالی نوشته های زیر را با نقش نمای مناسب پر کنید.  
اولین روزی که ... دیدن دوستم رفتم، او را ... مزرعه سرگرم کار دیدم.  
فردوسی سی سال از عمر گران بهای خود ... صرف سرودن شاهنامه کرد.  
علامه دهخدا امثال و حکم فارسی ... در چهار جلد نوشت.  
نهاد، کلمه ... گروهی از کلمات است ... درباره آن خبر می دهیم.  
۳) واژه های «برادر»، «ایران»، «فردوسی»، «ادبیات» را با نقش نماهای (را، کسره، حرف اضافه و حرف ندا) در جمله های جداگانه به کار ببرید و مفعول، مضاف الیه، متمم و منادا بسازید.

مثال: ای برادر! چرا از وظیفه ات روی گردانی؟      برادر = منادا  
مسلمان، باید گرفتاری برادر مسلمانش را رفع کند.      برادر = مضاف الیه  
از برادرت روش درست درس خواندن را یاد بگیر.      برادر = متمم  
برادرت را دیدم.      برادر = مفعول  
۴) یک آغاز و یک پایان مناسب برای نامه ای دوستانه بنویسید.